

فصلنامه پژوهش های حقوقی قانون یار

License Number: 80025

Article Cod: W5067515

ISSN-E: 6452-2588

نگاهی به اصول و قواعد دادرسی مدنی

پس از انتقال دعوی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۱ تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۰۹/۲۲)

دکتر امیرحسین سلیمان فلاح

چکیده

انتقال دعوی در دادرسی مدنی، نقطه‌ای است که در آن «موضوع اختلاف» یا «شخص ذی نفع در تعقیب دعوا» دچار دگرگونی می‌شود، بی‌آنکه الزاماً مسیر رسیدگی از نو آغاز گردد. این وضعیت در عمل می‌تواند در نتیجه انتقال حق مورد ادعا، انتقال تعهد، جانشینی قهری مانند ارث، ادغام و انحلال اشخاص حقوقی، یا تغییر نمایندگی و قائم مقامی رخ دهد. مسئله اصلی این است که پس از انتقال دعوی، دادگاه چگونه باید میان دو ضرورت ظاهراً متعارض تعادل برقرار کند: از یک سو حفظ پیوستگی رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی و از سوی دیگر تضمین حق دفاع، اصل تناظر، و برابری سلاح‌ها برای طرفی که به‌تازگی وارد یا خارج از دعوا می‌شود. مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی و تطبیقی، ابتدا چستی و قلمرو انتقال دعوی را روشن می‌کند و سپس اصول بنیادین حاکم بر دادرسی پس از انتقال را واکاوی می‌نماید؛ آنگاه آثار شکلی آن بر ابلاغ‌ها، دلایل، ایرادات، هزینه‌ها و اجرای حکم را توضیح می‌دهد و در پایان، چالش‌های رویه‌ای و راهکارهای اصلاحی را پیشنهاد می‌کند.

واژگان کلیدی: انتقال دعوی، قائم مقامی، حق دفاع، اصل تناظر، پیوستگی رسیدگی، اطاله

دادرسی، ابلاغ، صلاحیت، اجرای حکم



مقدمه

دادرسی مدنی بر ایده ای ساده اما حساس بنا شده است: اختلافی میان دو یا چند شخص درباره حق یا تعهدی مشخص شکل می گیرد و دادگاه با رعایت قواعد شکلی و ماهوی، آن اختلاف را به تصمیم الزام آور تبدیل می کند. با این حال، واقعیت اجتماعی و اقتصادی ثابت نمی ماند. حق مورد ادعا ممکن است در میانه رسیدگی به دیگری منتقل شود، شرکت ها ادغام شوند، ورثه جایگزین متوفی گردند، یا نمایندگی و سمت طرفین تغییر کند. اگر دادرسی نتواند با این تغییرات همگام شود، یا باید رسیدگی را متوقف کند و دوباره از ابتدا آغاز نماید، یا بدون توجه به تغییرات، حق دفاع و عدالت فرایندی را قربانی سرعت کند. «انتقال دعوی» سازوکاری است برای مدیریت همین وضعیت های میانی؛ یعنی جایی که دعوا همچنان زنده است اما بازیگران یا مبنای ذی نفعی آن دگرگون می شود. از منظر عملی، انتقال دعوی در پرونده های مالی و قراردادی فراوان دیده می شود: طلبی فروخته می شود، ملک مورد دعوا به دیگری انتقال می یابد، یا حق بیمه و خسارت به قائم مقام منتقل می گردد. از منظر نظری نیز انتقال دعوی آزمونی است برای اصول دادرسی منصفانه. زیرا باید روشن شود که ورود شخص جدید چه آثاری بر دلایل قبلی دارد، آیا اقدامات انجام شده معتبر می ماند، تکلیف ایرادات شکلی و ماهوی چیست، و دادگاه در برابر احتمال تبانی، فرار از دین، یا تغییر تاکتیک های دادرسی چه ابزارهایی در اختیار دارد. پاسخ های شتاب زده، یا به اطلاع دادرسی می انجامد یا به بی اعتباری تصمیم دادگاه در نگاه طرفین و جامعه. از همین رو بررسی اصول و قواعد دادرسی مدنی پس از انتقال دعوی، نه فقط بحثی فنی، بلکه مسئله ای مرتبط با اعتماد عمومی به عدالت قضایی است.



بخش اول: مبانی مفهومی و حقوقی انتقال دعوی

۱- چستی انتقال دعوی و تمایز آن از نهادهای مشابه

انتقال دعوی را نباید صرفاً «تغییر نام یکی از طرفین» دانست. انتقال دعوی زمانی رخ می‌دهد که رابطه حقوقی موضوع دعوا یا سمت قانونی تعقیب آن، در میانه رسیدگی به دیگری منتقل شود. در این حالت، دعوا همان است که بود، اما شخصی که باید از نتیجه آن متأثر شود تغییر می‌کند. این نهاد با «ورود ثالث» تفاوت دارد؛ زیرا ثالث وارد می‌شود تا حق خود را پیگیری کند، نه اینکه جای یکی از طرفین را در همان حق بگیرد. با «جلب ثالث» نیز متفاوت است؛ چون جلب ثالث معمولاً برای کشاندن مسئولیت یا تضمین به شخص دیگر است، نه جانشینی در حق. همچنین با «تغییر خواسته» یکی نیست؛ زیرا تغییر خواسته یعنی تغییر موضوع ادعا، نه تغییر ذی‌نفع.

۲- اقسام انتقال دعوی در عمل

انتقال دعوی را می‌توان به انتقال قراردادی و انتقال قهری تقسیم کرد. انتقال قراردادی مانند انتقال طلب، انتقال حقوق ناشی از قرارداد، یا انتقال مالکیت مالی که موضوع دعواست. انتقال قهری مانند ارث، ورشکستگی و انتقال اختیارات مدیریتی، یا جانشینی ناشی از ادغام و تجزیه شرکت‌ها. همچنین از حیث زمان وقوع، انتقال می‌تواند در مرحله بدوی، تجدیدنظر، فرجام، یا حتی مرحله اجرای حکم رخ دهد. هرچه انتقال به مراحل پایانی نزدیک‌تر باشد، حساسیت نسبت به حق دفاع و نیز خطر سوءاستفاده برای اطاله بیشتر می‌شود.



۳- مبنای قانونی و فلسفه قاعده استمرار رسیدگی

در نظام آیین دادرسی مدنی ایران، قواعد مربوط به انتقال دعوی با هدف جلوگیری از بی اثر شدن اقدامات انجام شده و حفظ پیوستگی رسیدگی پیش‌بینی شده‌اند. فلسفه این قواعد آن است که دادگاه با یک اختلاف مشخص مواجه است و انتقال حق، اختلاف را نابود نمی‌کند بلکه ذی‌نفع را جابه‌جا می‌کند. بنابراین اصل این است که رسیدگی ادامه یابد و انتقال‌گیرنده در همان چارچوب و با رعایت حق دفاع وارد شود. در عین حال، این فلسفه بدون قیود لازم ممکن است به تضییع حق دفاع بینجامد؛ زیرا انتقال‌گیرنده ممکن است از دفاعیات قبلی، دلایل ارائه شده، یا حتی از زمان‌بندی ابلاغ‌ها بی‌خبر باشد. پس باید سازوکاری برای اطلاع‌رسانی و امکان واکنش مؤثر او وجود داشته باشد.

۴- نسبت انتقال دعوی با مفهوم سمت و ذی‌نفعی

یکی از حساس‌ترین نقاط در انتقال دعوی، بحث «سمت» است. اگر انتقال حق رخ دهد اما انتقال‌گیرنده وارد پرونده نشود، دادگاه با این پرسش روبه‌روست که آیا خواهان یا خوانده فعلی همچنان سمت دارد یا خیر. پاسخ به این پرسش، آثار جدی دارد: از قرار رد دعوا به دلیل فقدان سمت گرفته تا امکان اصلاح و جایگزینی طرف. از منظر کارکردی، بهتر است دادگاه به جای صدور تصمیم‌های سخت‌گیرانه، به سمت مدیریت انتقال برود: یعنی احراز انتقال، اطلاع به طرفین، و فراهم کردن امکان ورود انتقال‌گیرنده، به نحوی که از تضییع حق جلوگیری شود و دادرسی نیز بی‌جهت از نو آغاز نگردد.



۵- انتقال دعوی و اصل نسبی بودن آثار دادرسی

یکی از اصول مهم در حقوق خصوصی، نسبی بودن آثار قرارداد و نیز نسبی بودن آثار دادرسی نسبت به اصحاب دعواست. انتقال دعوی این اصل را با ظرافتی خاص مواجه می‌کند: وقتی شخصی جانشین یکی از طرفین می‌شود، آیا تصمیمات قبلی دادگاه و اقدامات طرفین نسبت به او هم معتبر است. پاسخ عملی این است که اگر جانشینی در همان حق یا تعهد باشد، انتقال گیرنده نمی‌تواند خود را کاملاً بی‌ارتباط بداند؛ زیرا او قائم‌مقام حقوقی طرف قبلی است. اما این اعتبار باید با حق دفاع او جمع شود: اقدامات گذشته معتبر است، ولی باید فرصت معقول برای آگاهی و واکنش به او داده شود، به‌ویژه اگر انتقال در مرحله‌ای رخ داده که او عملاً امکان مشارکت نداشته است.

بخش دوم: اصول بنیادین دادرسی مدنی پس از انتقال دعوی

۱- اصل پیوستگی و استمرار رسیدگی

پیوستگی رسیدگی به این معناست که انتقال دعوی نباید به طور خودکار رسیدگی را به نقطه صفر برگرداند. دادگاه باید بتواند اقدامات انجام شده را حفظ کند، مگر آنکه حفظ آنها به نحو جدی با حق دفاع انتقال گیرنده تعارض پیدا کند. استمرار رسیدگی از اطاله جلوگیری می‌کند و هزینه‌های طرفین و دستگاه قضایی را کاهش می‌دهد. با این حال، استمرار به معنای نادیده گرفتن ورود شخص جدید نیست. استمرار منصفانه یعنی انتقال گیرنده وارد همان پرونده می‌شود، اما با برنامه‌ای که او را به وضعیت واقعی پرونده آگاه می‌کند و فرصت پاسخ‌گویی به موارد مؤثر را می‌دهد.



۲- اصل تناظر و حق استماع دفاع

اصل تناظر یعنی هیچ ادعا یا دلیلی نباید مبنای تصمیم دادگاه قرار گیرد مگر آنکه طرف مقابل امکان آگاهی و پاسخ به آن را داشته باشد. پس بعد از انتقال دعوی، دادگاه باید بررسی کند که آیا انتقال گیرنده به ادعاها و دلایل موجود دسترسی پیدا کرده و فرصت واکنش داشته است یا نه. در پرونده هایی که انتقال به نفع خواهان است، خوانده ممکن است ادعا کند که انتقال برای دور زدن دفاعیات یا تغییر تاکتیک طرح شده است. در پرونده هایی که انتقال به ضرر خوانده است، خوانده جدید ممکن است بگوید دفاعیات قبلی بدون حضور او ارائه شده و باید فرصت تکمیل دفاع داشته باشد. راه حل، اعطای فرصت هدفمند است: نه فرصت بی پایان برای تکرار همه مراحل، و نه محروم کردن کامل از دفاع.

۳- اصل برابری سلاح ها و تعادل فرایندی

پس از انتقال دعوی، خطر برهم خوردن تعادل فرایندی جدی است. انتقال دهنده ممکن است پرونده را با وضعیت خاصی به انتقال گیرنده تحویل دهد که برای او نامطلوب است، یا بالعکس، انتقال گیرنده با امکانات مالی و حقوقی بیشتر، مسیر دادرسی را سنگین تر کند. دادگاه باید با ابزارهای مدیریت پرونده، تعادل را حفظ کند: تعیین مهلت های معقول، جلوگیری از درخواست های غیرضروری، و هدایت ارائه دلایل به سمت «مؤثر بودن» نه «انبوه بودن». برابری سلاح ها به معنای برابر بودن امکانات واقعی دفاع و تعرض در چارچوب قانون است، نه الزام به برابر بودن توان مالی طرفین.



۴- اصل حسن نیت و منع سوءاستفاده از حق دادرسی

انتقال دعوی می تواند ابزار سوءاستفاده شود. ممکن است شخصی حق مورد دعوا را به دیگری منتقل کند تا از ایراداتی که علیه او مطرح شده بگریزد، یا برای اطاله، یا برای ایجاد دشواری در ابلاغ و دسترسی. اصل حسن نیت اقتضا می کند دادگاه در ارزیابی آثار انتقال، به قرائن عملی توجه کند: زمان انتقال، رابطه انتقال دهنده و انتقال گیرنده، و تغییر ناگهانی در راهبرد دادرسی. اگر انتقال به قصد تقلب یا سوءاستفاده باشد، دادگاه باید با تفسیر سخت گیرانه نسبت به درخواست های متوالی، و با استفاده از ضمانت اجرای قانونی مربوط به هزینه ها و خسارت دادرسی، مانع اثرگذاری سوءنیت شود.

۵- اصل امنیت قضایی و قابلیت پیش بینی

برای بازار و روابط خصوصی، مهم است که افراد بدانند انتقال حق، دعوا را بی اثر نمی کند و در عین حال آنان را در موقعیتی ناعادلانه قرار نمی دهد. امنیت قضایی یعنی قواعد انتقال دعوی باید روشن باشد: انتقال گیرنده می داند چه چیزهایی را به ارث می برد و چه چیزهایی را می تواند اصلاح کند. اگر این قواعد مبهم باشد، افراد یا از انتقال حق در جریان دعوا می هراسند یا از آن به عنوان ابزار بازی دادرسی استفاده می کنند. روشن سازی معیارها، مانند اینکه کدام ایرادات همچنان قابل طرح است و کدام مهلت ها از نو آغاز نمی شود، به امنیت قضایی کمک می کند.

۶- اصل تمرکز رسیدگی و اقتصاد دادرسی

اقتصاد دادرسی اقتضا دارد که دادگاه از تکثیر بی دلیل دعاوی جلوگیری کند. اگر انتقال دعوی به جای جانشینی در پرونده موجود، به طرح پرونده جدید بینجامد، خطر صدور آرای



متعارض و افزایش هزینه ها جدی می شود. تمرکز رسیدگی یعنی اختلاف مربوط به یک رابطه حقوقی تا حد امکان در یک مسیر و تحت نظارت یک مرجع مدیریت شود. پس پس از انتقال، اصل بر آن است که همان پرونده ادامه یابد و تنها مشخصات طرف و سمت او به روز شود، مگر اینکه قانون یا مصلحت قطعی دادرسی منصفانه اقتضا کند مسیر جداگانه ای شکل بگیرد.

بخش سوم: قواعد شکلی و آثار عملی انتقال دعوی در جریان رسیدگی

۱- تشریفات اعلام و احراز انتقال

در عمل، انتقال دعوی زمانی برای دادگاه موضوعیت پیدا می کند که یا یکی از طرفین آن را اعلام کند یا قرائنی در پرونده ظاهر شود. دادگاه نباید به صرف ادعا، طرف را عوض کند. احراز انتقال باید بر پایه سند معتبر یا دلایل قابل اتکا باشد. در انتقال های قراردادی، معمولاً سند انتقال، قرارداد واگذاری، یا مدارک ثبتی مطرح است. در انتقال های قهری، گواهی انحصار وراثت، مدارک ادغام، یا تصمیمات قانونی مربوط به قائم مقامی اهمیت دارد. شیوه صحیح این است که دادگاه ابتدا «اصل انتقال» و سپس «حدود انتقال» را روشن کند، زیرا گاه تنها بخشی از حق منتقل شده و بخشی نزد انتقال دهنده باقی مانده است. در این صورت ممکن است مسئله تعدد خواهان یا خوانده و لزوم تنظیم سمت ها پیش آید.

۲- جانشینی، ورود انتقال گیرنده و حدود اختیارات او

پس از احراز انتقال، دادگاه باید تعیین کند که انتقال گیرنده جایگزین کامل طرف قبلی می شود یا به صورت مشترک در کنار او قرار می گیرد. اگر انتقال کامل باشد، جانشینی کامل منطقی است. اگر انتقال جزئی باشد، مشارکت یا تعدد طرفین ایجاد می شود. نکته مهم این



است که انتقال گیرنده اصولاً قائم مقام طرف قبلی در همان موقعیت دادرسی است. بنابراین نمی تواند بدون دلیل موجه، همه مراحل را از نو مطالبه کند. اما در عین حال، باید بتواند دفاع ها و ایراداتی را که برای تصمیم نهایی مؤثر است، مطرح کند؛ به ویژه اگر انتقال در زمانی رخ داده که ارائه آن دفاع ها برای انتقال دهنده ممکن یا منطقی نبوده یا به ضرر او بوده است.

۳- ابلاغ ها، مهلت ها و اطلاع رسانی مؤثر

یکی از حساس ترین آثار انتقال دعوی، مسئله ابلاغ است. اگر انتقال گیرنده وارد پرونده می شود، باید از وضعیت پرونده و تصمیمات و اقدامات قبلی آگاه شود. ابلاغ صرف یک اختطاریه کلی ممکن است کافی نباشد؛ زیرا حق دفاع واقعی نیازمند دسترسی به متن دادخواست، لوایح، نظریه کارشناسی و صورت جلسات است. از منظر عدالت شکلی، مناسب است دادگاه سازوکاری اتخاذ کند که انتقال گیرنده بتواند پرونده را مطالعه کند و برای پاسخ مهلت معقول داشته باشد. در عین حال، مهلت ها نباید بی قاعده از نو آغاز شود؛ زیرا این امر انتقال را به ابزار اطاله تبدیل می کند. راه حل میانه این است که دادگاه در صورت انتقال، تنها برای موارد ضروری مهلت تکمیلی بدهد و آن را محدود به موضوعات مشخص کند.

۴- آثار انتقال بر ایرادات شکلی و ماهوی

پرسش مهم این است که آیا انتقال گیرنده می تواند ایراداتی را مطرح کند که انتقال دهنده از آن صرف نظر کرده یا در موعد مقرر نگفته است. پاسخ باید تفکیکی باشد. برخی ایرادات مانند ایرادات مربوط به صلاحیت ذاتی یا نظم عمومی، اصولاً قابلیت طرح مستقل از اراده طرفین دارند و نباید با انتقال از بین بروند. اما ایراداتی که وابسته به مهلت و اقدام به موقع است، اگر با



انتقال بتواند دوباره زنده شود، نظم دادرسی مختل می گردد. بنابراین اصل بر این است که انتقال گیرنده در همان وضعیت دادرسی قرار می گیرد و فقط در حدودی که برای دفاع منصفانه لازم است یا مربوط به نظم عمومی است، امکان طرح ایراد جدید دارد. این تفکیک هم از اطلاع جلوگیری می کند و هم با عدالت سازگار است.

۵- دلایل، کارشناسی و اعتبار اقدامات قبلی

انتقال دعوی نباید موجب بی اعتبار شدن خودکار دلایل و اقدامات اثباتی شود. اگر کارشناسی انجام شده یا تحقیقات صورت گرفته، اصل بر حفظ آنهاست. با این حال، انتقال گیرنده باید بتواند نسبت به دلایل ارائه شده اظهار نظر کند و در صورت وجود ایراد جدی، درخواست بررسی تکمیلی دهد. معیار باید «ضرورت» باشد: اگر کارشناسی قبلی از حیث روش، صلاحیت کارشناس، یا موضوع کارشناسی ایراد مؤثر دارد، دادگاه می تواند کارشناسی تکمیلی یا هیئت کارشناسی را بپذیرد. اگر درخواست صرفاً برای طولانی کردن روند باشد، باید رد شود. اینجا نقش مدیریت فعال پرونده توسط قاضی برجسته می شود.

۶- هزینه دادرسی، خسارت ها و مسئولیت ها

انتقال دعوی می تواند وضعیت هزینه ها را پیچیده کند. اگر انتقال گیرنده جایگزین خواهان شود، تکلیف هزینه های پرداخت شده چیست و اگر دادگاه حکم به بی حقی صادر کند، محکوم به هزینه ها بر عهده چه کسی است. از نظر منطق دادرسی، انتقال گیرنده وقتی وارد دعوا می شود، آثار مالی ناشی از نتیجه دعوا را نیز می پذیرد، زیرا او ذی نفع نهایی است. اما ممکن است بخشی از هزینه ها ناشی از اقدامات انتقال دهنده باشد که انتقال گیرنده نقشی در آن نداشته



است. راه حل عملی این است که دادگاه در چارچوب قواعد مسئولیت دادرسی، امکان رجوع داخلی انتقال گیرنده به انتقال دهنده را به عنوان رابطه خصوصی طرفین بپذیرد، اما در برابر طرف مقابل، دعوا را با تمرکز بر ذی نفع فعلی اداره کند تا طرف مقابل سرگردان نشود.

۷- انتقال دعوی در مراحل بالاتر و در اجرای حکم

انتقال دعوی محدود به مرحله بدوی نیست. در تجدیدنظر یا فرجام، ممکن است حق مورد دعوا منتقل شود یا یکی از طرفین فوت کند و ورثه جانشین شوند. در این مراحل، محدودیت ارائه دلیل و طرح دفاع جدید بیشتر است و انتقال گیرنده باید بداند که با ورود به مرحله بالاتر، در چارچوب همان مرحله حرکت می کند. در اجرای حکم نیز انتقال می تواند رخ دهد؛ مثلاً محکوم له طلب خود را منتقل می کند یا محکوم علیه تغییر می یابد. در اجرای حکم، اصل بر سرعت و قطعیت است، اما همچنان باید اطمینان حاصل شود که اجرا علیه شخصی انجام می شود که واقعاً مسئول است یا به درستی قائم مقام محسوب می شود. اشتباه در این مرحله، هم نقض حقوق اشخاص است و هم موجب مسئولیت های سنگین برای نظام اجرا.

۸- انتقال دعوی و تأثیر آن بر صلاحیت و ارتباط با دعاوی دیگر

به طور کلی، انتقال حق یا تغییر طرف نباید صلاحیت دادگاه را به هم بزند، زیرا صلاحیت معمولاً در زمان طرح دعوا سنجیده می شود و تغییرات بعدی نباید به بی ثباتی ساختاری دامن بزند. با این حال، گاه انتقال موجب می شود دعوا به لحاظ ماهیت یا ارتباط با اشخاص دیگر، در کنار دعاوی دیگری قرار گیرد و بحث تمرکز رسیدگی مطرح شود. در این موارد، دادگاه باید



با سنجش دقیق ارتباط دعاوی، از پراکندگی جلوگیری کند، اما نباید اجازه دهد که انتقال به ابزاری برای جابه جایی مرجع رسیدگی تبدیل شود.

بخش چهارم: چالش ها، رویه قضایی و پیشنهادهای اصلاحی

چالش نخست، انتقال های دیر هنگام و مرز حق دفاع

انتقال در آستانه ختم رسیدگی یکی از دشوارترین وضعیت هاست. اگر دادگاه رسیدگی را متوقف کند تا انتقال گیرنده همه چیز را از نو بررسی کند، پرونده فرسایشی می شود. اگر هم بی توجه به انتقال رأی دهد، انتقال گیرنده ممکن است ادعا کند که بدون فرصت دفاع محکوم شده است. راه حل پیشنهادی، یک قاعده مرحله محور است: هرچه انتقال دیرتر باشد، دامنه اقدامات قابل تکرار محدودتر می شود، اما حداقل های دفاع باید تضمین گردد. این حداقل ها معمولاً شامل اطلاع کامل از محتویات پرونده و فرصت معقول برای ارائه لایحه یا ایراد نسبت به نکات مؤثر است، نه تکرار همه جلسات و دلایل.

چالش دوم، انتقال برای اطاله یا تقلب و ابزارهای مقابله

در برخی پرونده ها، انتقال حق به اشخاص متعدد یا انتقال های زنجیره ای به قصد پیچیده کردن ابلاغ و ایجاد توقف های متوالی انجام می شود. دادگاه برای مقابله با این وضعیت باید دو دسته ابزار را فعال کند: نخست ابزارهای اثباتی و شکلی برای احراز واقعی بودن انتقال و حدود آن، دوم ابزارهای هزینه ای و ضمانت اجراهای مربوط به رفتار غیرمنصفانه در دادرسی. همچنین دادگاه می تواند با تعیین مهلت های دقیق و محدود کردن درخواست های غیرضروری، مانع بهره برداری تاکتیکی از انتقال شود.



چالش سوم، انتقال جزئی و تعدد اصحاب دعوا

انتقال جزئی حق، پرونده را پیچیده می‌کند: ممکن است چند نفر در یک طرف دعوا قرار گیرند و هماهنگی دفاعی دشوار شود. در این وضعیت، دادگاه باید از ابتدا سمت‌ها را شفاف کند و مشخص نماید هر شخص نسبت به چه سهمی ذی‌نفع است. مدیریت صحیح این وضعیت، از صدور رأی مبهم جلوگیری می‌کند و اجرای حکم را نیز آسان‌تر می‌سازد.

نتیجه‌گیری

• جمع‌بندی بحث

انتقال دعوی در آیین دادرسی مدنی یک وضعیت استثنایی اما پرتکرار است که می‌تواند به سرعت به بحران عدالت فرایندی یا بحران اطاله تبدیل شود. تحلیل انجام‌شده نشان داد که اصل راهبردی، پیوستگی و استمرار رسیدگی است، اما این استمرار باید در چارچوب اصول بنیادین دادرسی منصفانه معنا یابد؛ به ویژه اصل تناظر، حق دفاع، برابری سلاح‌ها و منع سوءاستفاده از حق دادرسی. از حیث قواعد شکلی، مهم‌ترین مسائل پس از انتقال عبارت‌اند از احراز دقیق انتقال و حدود آن، سامان‌دهی جانشینی یا تعدد اصحاب دعوا، اطلاع‌رسانی و ابلاغ مؤثر، تعیین تکلیف مهلت‌ها و ایرادات، حفظ اعتبار اقدامات اثباتی با امکان واکنش انتقال‌گیرنده، و مدیریت هزینه‌ها و آثار مالی. در نهایت، کارآمدترین راه‌حل‌ها راه‌حل‌های مرحله‌محور و مدیریتی‌اند: نه بازگشت کامل به نقطه آغاز و نه ادامه بی‌تفاوت نسبت به ورود ذی‌نفع جدید. پیشنهاد‌های اصلاحی نیز نشان می‌دهد که با شفاف‌سازی رویه‌ها، تقویت معیار ضرورت برای دفاع، و ابزارهای هزینه‌ای علیه سوءاستفاده، می‌توان انتقال دعوی را به نهادی هماهنگ با عدالت و کارآمدی تبدیل کرد.



• پیشنهادهای اصلاحی در سطح قانون و رویه

پیشنهاد نخست، تدوین دستورالعمل رویه‌ای روشن برای دادگاه‌ها درباره نحوه احراز انتقال، شیوه اطلاع‌رسانی به انتقال‌گیرنده، و حدود اعطای مهلت تکمیلی است. بسیاری از اختلاف‌های عملی نه از فقدان قانون، بلکه از تفاوت در شیوه اجرا ناشی می‌شود. پیشنهاد دوم، پیش‌بینی صریح معیار «ضرورت برای دفاع منصفانه» در اعطای فرصت‌های تکمیلی است تا دادگاه بتواند میان درخواست‌های واقعی و درخواست‌های اطاله‌گرایانه تفکیک کند. پیشنهاد سوم، تقویت ابزارهای هزینه‌ای برای کنترل سوءاستفاده از انتقال است، به‌ویژه در انتقال‌های زنجیره‌ای و بی‌وجه. پیشنهاد چهارم، توسعه دسترسی الکترونیکی انتقال‌گیرنده به پرونده و اسناد است تا نیاز به توقف‌های طولانی برای مطالعه کاهش یابد.

• جمع‌بندی سیاستی، تعادل میان قطعیت و انعطاف

دادرسی مدنی بدون قطعیت، بی‌اثر است و بدون انعطاف، غیرمنصفانه. انتقال دعوی دقیقاً در مرز این دو قرار دارد. سیاست درست آن است که قطعیت اقدامات انجام‌شده تا حد ممکن حفظ شود، اما انعطاف لازم برای ورود منصفانه انتقال‌گیرنده فراهم گردد. اگر این تعادل رعایت شود، انتقال دعوی نه تهدید، بلکه فرصت خواهد بود: فرصتی برای هماهنگ کردن دادرسی با واقعیت‌های متغیر روابط خصوصی.



منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ‌های متعدد، تهران، دراک
۲. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ‌های متعدد، تهران، دراک
۳. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ‌های متعدد، تهران، دراک
۴. سید حسین صفایی، مختصر حقوق خانواده، چاپ‌های متعدد، تهران، نشر میزان
۵. ناصر کاتوزیان، نظریه عمومی تعهدات، جلد اول و دوم، چاپ‌های متعدد، تهران، شرکت سهامی انتشار
۶. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ‌های متعدد، تهران، گنج دانش
۷. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دایرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد‌های مرتبط، تهران، گنج دانش
۸. حسن امامی، حقوق مدنی، جلد‌های مربوط به انتقال و قائم مقامی، چاپ‌های متعدد، تهران، اسلامیه
۹. مهدی زراعت، آیین دادرسی مدنی کاربردی، تهران، جنگل، جلد‌های مرتبط
۱۰. قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، مصوب ۱۳۷۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، متن قوانین و اصلاحات



۱۱. قانون مدنی، مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی

ایران، مواد مرتبط با انتقال حق و قائم مقامی

۱۲. قانون اجرای احکام مدنی، مصوب ۱۳۵۶ با اصلاحات بعدی، روزنامه رسمی

جمهوری اسلامی ایران

ب) منابع انگلیسی

۱. Adrian Zuckerman, *Zuckerman on Civil Procedure Principles of Practice*, ۴th edition, Sweet & Maxwell, ۲۰۲۱
۲. Neil Andrews, *Andrews on Civil Processes Court Proceedings, Arbitration and Mediation*, ۲nd edition, Intersentia, ۲۰۱۹
۳. Stuart Sime, *A Practical Approach to Civil Procedure*, ۲۶th edition, Oxford University Press, ۲۰۲۳
۴. Charles Alan Wright, Arthur R. Miller, Mary Kay Kane, *Federal Practice and Procedure, Volumes on Parties and Pleading*, Thomson Reuters, updated editions
۵. Stephen C. Yeazell, Joanna C. Schwartz, *Civil Procedure*, ۱۱th edition, Wolters Kluwer, ۲۰۱۹
۶. Richard L. Marcus, Martin H. Redish, Edward F. Sherman, *Civil Procedure A Modern Approach*, ۸th edition, West Academic, ۲۰۱۹
۷. *Federal Rules of Civil Procedure, Rules on Parties and Substitution*, United States Courts, current consolidated text (Rule ۱۷ and Rule ۲۵)
۸. *Civil Procedure Rules, Part ۱۹ Parties and Group Litigation*, England and Wales, consolidated text, Ministry of Justice / official publication
۹. *Code de procédure civile, Dispositions relatives aux parties et à l'instance*, France, consolidated text, official legislative publication